

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شاعر: ناظم حکمت
برگردان و ارسال از: بهرام رحمانی
۲۱ اپریل ۲۰۲۰



غولی بود با چشمان آبی

غولی بود با چشمان آبی
که به زنی باریک اندام دل داده بود
روپای زن خانه ای کوچک بود
خانه ای با باغچه ای پر از یاس
که باروری در آن شکوفا بود

غول او را دیوانه وار دوست داشت
دست هایش برای کارهای بزرگ ساخته شده بود
نمی توانست خانه ای این چنین بسازد
نمی توانست در خانه ای با باغچه ای پر از یاس
و سرشار از باروری را بکوبد

غولی بود با چشمان آبی
که عاشق زنی باریک اندام شده بود
زنی باریک اندام و ریز نقش
که آغوشش برای آسودگی باز
و از قدم های بلند در راه غول خسته بود
با غول چشم آبی وداع کرد

و در دستان مردی ثروتمند و ریز اندام
به خانه ای با باغچه ای پر از یاس
و سرشار از باروری رفت

غول چشم آبی حالا خوب می داند
در خانه ای با باغچه ای پر از یاس
که باروری در آن شکوفاست
برای عشقش
حتی گوری هم کنده نمی شود